

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Reports

گزارشها

گزارشگران پورتال- افغانستان

۰۳ جون ۲۰۱۸

در افغانستان چه می گذرد؟

۴۰۶

پدرام، فاحشه سیاسی که آشکارا وطنفروشی می کند:

سرزمین اشغالی ما در محراق تضاد منافع کشور های همسایه طماع همچون ایران، پاکستان، روسیه و چین، کشور های غارتگر امپریالیستی مانند امریکا، انگلیس، فرانسه، المان و سگان پاسبان امپریالیزم در خاورمیانه مثل عربستان، قطر، امارات و غیره قرار گرفته است. هر یک از این کشور ها تلاش دارند تا با تطمیع هرچه بیشتر جواسیس و جنایتکاران داخلی و جذب چهره های جدید در سیاست های این منطقه نفوذ بیشتر داشته باشند تا از این طریق به سهم بزرگتری از منافع خود در سرزمین اشغالی ما برسند.

با وجود آن که قبل از یلغار امپریالیزم جنایتکار امریکا در اکتوبر ۲۰۰۱، چهره کثیف تعداد کثیری از وطنفروشان و جنایتکاران سر سپرده داخلی افشاء گردیده و هیچ شک و شبیه در غلامی آنها وجود نداشته، اما از ۱۷ سال به این طرف تمامی این خاینان آشکارا از منافع بادرانشان در افغانستان دفاع می نمایند و هیچ ننگ و شرمی هم از این ناموس فروشی ندارند.

یکی از این جواسیس کار کشته، لطیف پدرام رئیس حزب کنگره «ملی» می باشد. این «حرام لقمه» که به گفته احمد شاملو، شاعر نامدار و بزرگ خلق ایران، «مادرش را برای عشرت عساکر همایونی روانه باغ شاه می کند»، با دیده درائی و چشمپارگی که جزء مشخصه های بارز فاحشه های سیاسی اند، بر طبل «تجزیه طلبی و خودمختاری» کوبیده و تلاش دارد تا مثنی انسان های ناآگاه، جاهل و مثل خودش را گردهم آورده و به دستور رژیم سفاک ولایت فقیه، زمینه را برای مداخله های گسترده ایران در کشور ماه فراهم سازد، تا جایی که در آخرین اظهار نظرهای سخیفش تهدید به آغاز جنگ داخلی کرده است.

این حرامی طی یک گردهمائی در ولایت بدخشان که به تاریخ ۳۱ ثور سالجاری به کمک مالی ایران برگزار گردید، چنین یاهو سرائی می کند: «من به این شوونیست ها گفتم اگر این ها به ظلم و تعدی خود ادامه بدهند، ما بدخشان را خودمختار اعلام می کنیم و توانش را هم داریم، ما مصمم هستیم که نام این کشور را به خراسان تبدیل کنیم و ساختار را فدالی بسازیم.» و در جای دیگری از این سخنرانی چنین می گوید: «اگر خواست خداوند باشد و خواست ملت قهرمان باشد و ما متحد و آگاهانه به پیش برویم شمال را خودمختار می سازیم.»

پدرام که این گردهمائی را در مخالفت به درج کلمه «افغان» در تذکره های الکترونیک به راه انداخته بود، بدون هیچ ترس و واژه ای از دولت پوشالی کابل، نه تنها شعار تجزیه طلبی را سر می داد، بلکه عملاً اشتراک کننده ها را تشویق به جنگ داخلی می نمود. در هیچ کشوری از جهان به هر اندازه هم که آزادی بیان در آن حاکم باشد، کسی جرأت ندارد که آشکارا برای تجزیه آن کشور شعار داده و یا مردم را به جنگ داخلی تشویق نماید، اما بنابر ضعف و بی کفایتی دولت پوشالی و وابسته (غنی - عبدالله)، در این وحشت سرا هر چیزی امکان دارد و هیچ ممانعتی هم وجود ندارد. ما در کشوری زندگی می کنیم که وطنفروشی و جاسوسی جزء «افتخارات» خاینان شمرده می شود.

استعمار و استبداد عوامل اساسی فقر، بیکاری، فساد و افزایش روز افزون قتل و کشتار توده ها:

دو پدیده شوم یکی منحصیث عامل درونی (استبداد) و دیگر آن منحصیث عامل بیرونی (استعمار) برای بدبختی و تباهی یک کشور کفایت؛ با آن که دیالکتیک صراحت کامل دارد که عامل درونی پدیده ها اساس و عامل بیرونی شرط به شمار می رود، اما در افغانستان اشغالی استعمار بدتر از استبداد عمل کرده است.

سر آغاز تاریخ سیاه و نکبت بار چهار دهه گذشته که هر ورق آن بوی خون و باروت می دهد، ۷ ثور و ششم جدی می باشد که از آن تاریخ به بعد روزی نیست که ده ها تن از توده های زحمتکش و ستمدیده ما به خاک و خون کشیده نشوند. افغانستان قبل از سیاه روز هفتم ثور و با وجود استبداد داوودخانی، در شاهراه ترقی گام گذاشته بود و مردمان آن از زندگی شکایت چندانی نداشتند، فقر گسترش نیافته بود، درصد بیکاران همانند سایر کشورها یک رقمی بود، بسیار کم پیش می آمد که با فساد در ادارات دولتی روبه رو شوی؛ از قتل و کشتار سازمان یافته توده ها (جزء دوره سیاه تره کی و حفیظ الله امین که به شکل سازمان یافته هزاران تن را سر به نیست کردند) خبری نبود و مرگ و میر انسان ها مانند سایر کشور ها به شکل عادی جریان داشت، اما با فاجعه ثور و تداوم آن با تهاجم سوسیال امپریالیزم شوروی، نشانه های بدبختی و تباهی در کشور ما زبانه کشید.

با گذشت نزدیک به چهل سال از اشغال کشور ما توسط شوروی سابق، هنوز که هنوز است فقر (بیش از ۵۴ درصد نفوس کشور زیر خط فقر به سر می برد) و بیکاری (بیش از ۶۵ درصد نیروی کار، در بیکاری به سر می برند) گسترش می یابد، ریشه های سرطانی فساد باعث گردیده که ثروت در سمتی (کمتر از ۵ درصد) و فقر و بدبختی (بیشتر از ۹۵ درصد) در سمت دیگر دره عمیق طبقاتی را به باور آورد.

اشغالگران امریکائی و شرکای ناتوئی آن من حیث حامیان اصلی دستگاه فاسد و مستبد حکومت وحشت «ملی» عمل نموده است، چنان که در تازه ترین گزارش سیگار (سرمفتش خاص امریکا برای بازسازی افغانستان) آمده که: «کمک های خارجی باعث افزایش فساد در افغانستان گردیده است». این گزارش واضحاً نشان می دهد که استعمار با سرازیر نمودن میلیارد ها دالر به حکومت دزد و مافیائی حاکم در کابل، زمینه ساز اصلی تداوم فقر، بیکاری، فساد، تشدید جنگ رذیلانه و ارتجاعی جاری در افغانستان اشغالی بوده که در نتیجه آن روزانه ده ها تن از فقیر ترین و نادر ترین انسان ها به خاک و خون کشیده می شوند.